یادداشت

حقوق‌های نجومی نفت و پتروشیمی؛ زنگ خطری برای حکمرانی اقتصادی و اعتماد عمومی

سمانه ناظریان
پژوهشگر و مدرس دانشگاه

به‌تازگی خبر پرداخت حدود ۱۲ میلیارد تومان در شش ماه به مدیرعامل و پنج مدیر ارشد پالایشگاه بندرعباس، بدون لحاظ کارانه تولید، توجه افکار عمومی و رسانه‌ها را جلب کرده است. در نگاه نخست ممکن است این موضوع صرفا فیش حقوقی نجومی به نظر برسد، اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد این ماجرا نمادی روشن از ضعف ساختار مدیریتی، خلأ نظارت و چالش‌های عدالت اقتصادی در کشور است.

۱. ریشه‌های ساختاری و حکمرانی

ضعف نظارت و شفافیت: سقف‌های قانونی و نظام پرداخت مصوب، در عمل بی‌معنا شده و آیتم‌های حقوقی به شکل سلیقه‌ای و خارج از چارچوب قانونی درج می‌شوند.

خلأ فرهنگی و سازمانی: مدیرانی که منافع شخصی را بر حفاظت از بیت‌المال ترجیح می‌دهند، با نگاهی کوتاه‌مدت و طمع‌کارانه، مسیر سوءاستفاده را هموار می‌کنند.

نقش محدود سهامداران عمده: حتی بانک‌ها و هلدینگ‌های سهامدار عمده، با سهم درخورتوجه، نقش نظارتی فعال و پاسخ‌گو ندارند. این خلأ، امکان مدیریت مستقل منابع بدون پاسخ‌گویی را فراهم می‌کند.

پیامد اجتماعی و اقتصادی: این وضعیت نشان می‌دهد اعتماد عمومی به عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه منابع به‌شدت آسیب دیده است، درحالی‌که بخش اعظم جامعه زیر فشار اقتصادی شدید قرار دارد و ارزش پول ملی کاهش یافته است.

۲. نقش راهبردی قوا در ریشه‌یابی و اصلاح

الف. قوه مجریه

• **تعیین سیاست‌ها و ساختار نظارتی:** دولت به عنوان سهامدار یا ناظر اصلی، مسئول تدوین سیاست‌های شفافیت و حاکمیت شرکتی است.

• **انتخاب و انتصاب مدیران:** اعمال معیارهای شایستگی، پاسخ‌گویی و محدودیت در پرداخت‌ها برای مدیران ارشد.

• **کنترل منابع و بودجه:** نظارت بر مصوبات مالی، سقف حقوق و نحوه توزیع منابع با ابزارهای اجرائی.

راهکار عملیاتی: توقف پرداخت‌های غیرقانونی، سامانه شفافیت داخلی، بازنگری انتصابات و نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخ‌گویی و حفاظت از بیت‌المال.

ب. قوه مقننه

• **قانون‌گذاری و تنظیم مقررات:** تصویب قوانین الزام‌آور شفافیت مالی و حاکمیت شرکتی، حتی برای بخش خصوصی و خصولتی؛ تعیین سقف‌های قانونی و انتشار عمومی فیش حقوقی.

• **نظارت پارلمانی:** احضار مدیران و سهامداران عمده، اعمال فشار ساختاری برای اصلاح فرایندهای پرداخت و مدیریت منابع.

ج. قوه قضائیه

• **پیگرد قانونی تخلفات:** رسیدگی به سوءاستفاده از منابع، پرداخت‌های خارج از قانون و نقض حقوق سهامداران؛ صدور احکام بازدارنده و نمونه.

• **حمایت از حقوق عمومی و سهامداران خرد:** امکان شکایت و پیگیری، تضمین بازگشت منابع تصرف‌شده به شرکت یا بیت‌المال.

ابزارهای سه قوه به صورت مکمل می‌تواند مسیر فساد را محدود، فرهنگ پاسخ‌گویی را نهادینه و اعتماد عمومی را بازسازی کند.

۳. راهکارهای عملیاتی

کوتاه‌مدت (۳-۶ ماه): • حسابرسی مستقل و فوری بر همه آیتم‌های حقوق و مزایا. • توقف پرداخت‌های غیرقانونی و انتشار شفاف اقدامات اصلاحی. • احضار مدیران و سهامداران عمده برای پاسخ‌گویی به افکار عمومی.

میان‌مدت (۶-۱۲ ماه): • بازنگری نظام پرداخت و تدوین آیین‌نامه حقوق و مزایا با سقف قانونی شفاف. • راه‌اندازی کمیته‌های نظارت داخلی با گزارش مستقیم به سهامداران و مجلس. • الزام به انتشار عمومی گزارش عملکرد و شفافیت مالی.

بلندمدت (۱۲-۲۴ ماه): • فرهنگ‌سازی سازمانی مبتنی بر حفظ بیت‌المال و عدالت اقتصادی. • نهادینه‌کردن پاسخ‌گویی و سازوکارهای بازدارنده قضائی. • تضمین شفافیت دائمی و بازخورد مردمی به عملکرد مدیران و سهامداران.

۴. پیام راهبردی

این ماجرا فراتر از یک پرونده حقوقی یا مدیریتی فردی است؛ نمادی از ضعف ساختار، خلأ نظارت و تهدید اعتماد عمومی به حکمرانی اقتصادی. راه‌حل آن نه‌تنها در اصلاح ساختار شرکت‌ها، بلکه در ایجاد شفافیت، پاسخ‌گویی فعال و پیگرد قانونی از طریق هر سه قوه خلاصه می‌شود. مسئولان کشور، مدیران اقتصادی، سهامداران عمده و نهادهای نظارتی، هرکدام به سهم خود مسئول‌اند تا اعتماد عمومی بازسازی و مسیر توزیع عادلانه منابع ملی تقویت شود.

عکس: سهند تاکی، شرق

زنان «جنت» خسته، بی‌سرمایه و بدهکار

ادامه از صفحه ۵

درست چند روز قبل از آتش‌سوزی، حجم بزرگی از جنس امانی گرفته بود: «حدود یک میلیارد تومان جنس امانی داشتم. به من اعتماد داشتند، چون ۲۷ سال خوش‌حساب بودم. تمام این سرمایه در آتش سوخت و از بین رفت. زندگی‌ام به‌طور کامل نابود شد». فاطمه فقط از اجناس نمی‌گوید، از وسایل کوچک شخصی هم حرف می‌زند، از چیزهایی که برایش خاطره بود و حالا دیگر نیست: «حتی وسایل شخصی‌ام، مثل یک رادیوی قدیمی که برای شنیدن اذان آورده بودم، از بین رفت. هیچ چیز باقی نماند». بعد از حادثه، او هم مثل بقیه به دنبال پیگیری رفته است؛ به شهرداری، به بخش ساماندهی، به جلسات مختلف. اما همین رفت‌وآمدها به نقطه فروپاشی جسمی‌اش منجر شده است: «برای پیگیری به شهرداری و بخش ساماندهی مراجعه کردم. در یکی از این مراجعات ناگهان حالم بد شد، بیهوش شده و با اورژانس به بیمارستان منتقل شدم».

روایت او از وضعیت بیمارستان، پر از تلخی و ناامیدی است: «در اورژانس بدون رسیدگی جدی روی تخت خوابانده شدم. مدت زیادی گذشت و کسی سراغی از من نگرفت. نه معاینه‌ای انجام شد و نه توضیحی دادند». او می‌گوید به دلیل ناتوانی مالی، امکان بستری‌شدن نداشته و ناچار شده بیمارستان را ترک کند: «به من گفتند برای بستری باید مبلغ بالایی پرداخت شود. چنین پولی نداشتم و مجبور شدم بیمارستان را ترک کنم». حالا فاطمه در خانه تنهاست، با پاهایی که توان حرکت ندارند: «هر دو پایم لمس شده است. فقط به صورت چهار دست‌وپا می‌توانم حرکت کنم. حتی برای رفتن به دستشویی یا وضوگرفتن با زحمت زیاد حرکت می‌کنم».

او از بیماری‌های متعددش می‌گوید؛ از مشکلات قلبی، چند بار آنژیوگرافی، خون‌ریزی شدید و ضعف جسمی: «سال‌هاست بیماری قلبی دارم و چند بار آنژیو شده‌ام. مشکلات جسمی دیگری هم دارم که باعث ضعف شدید شده است». اما درد اصلی فاطمه، فقط جسمی نیست: «هیچ‌کس نیست که حتی برایم نان تهیه کند یا سری به من بزند. کاملا تنها مانده‌ام». خانه‌اش روبه‌روی همان بازاری است که زندگی‌اش را از او گرفته است. خسارتی که او دیده، بیش از دو میلیارد تومان است. بدهی‌هایش هم به حدود یک میلیارد تومان می‌رسد؛ حاصل اجناس امانی و تعهدهایی که سال‌ها با اعتبار شخصی مدیریت می‌کرده است: «همیشه حساب‌هایم دفتری و منظم بود. هفته به هفته تسویه می‌کردم و هیچ‌وقت بدحساب نبودم».

نوبت به پیگیری‌ها و وعده‌ها که می‌رسد، پاسخ روشنی می‌دهد: «جلسات متعددی برگزار شد. وعده زمین، وعده پول و وعده حمایت دادند، اما هیچ‌کدام به نتیجه نرسید. فقط حرف شنیدیم». صدایش خسته‌تر شده و معلوم است که دیگر نه جان حرف‌زدن دارد و نه تابش را. اما فقط حرف آخر او خطاب به شهردار تهران است: «از آقای زاکانی می‌خواهم خود را جای من بگذارد. من یک زن حدودا ۶۰ساله تنها هستم. چگونه باید کرایه خانه بدهم یا هزینه زندگی‌ام را تأمین کنم؟ من گدا نبودم، بدبخت نبودم. سال‌ها کار کردم و با عزت زندگی کردم. امروز به این وضعیت افتاده‌ام. به داد ما برسید».

شهرداری: بیگیریم

۲۸ بهمن جمعی از کسبه بازار جنت مقابل شورای شهر جمع شدند و خواستار حمایت و پرداخت خسارت‌های خود شدند. آنها بر این نکته تأکید داشتند: محلی که به عنوان محل جایگزین برای‌شان در نظر گرفته شده است، نه آب دارد، نه برق. آنهایی که تمام زندگی‌شان را در آتش‌سوزی بازار جنت از دست داده بودند، شعار می‌دادند: «گرفتن خسارت حق مسلم ماست». یکی از حاضران در تجمع به دیده‌بان ایران گفته بود: «طبق اظهارات مطرح‌شده، قرار بود مبلغ یک میلیارد تومان از سوی مؤسسه مالی اعتباری علوی وابسته به بنیاد برکت و مبلغ یک میلیارد تومان نیز از سوی بانک شهر که زیرمجموعه شهرداری تهران است، در قالب تسهیلات به هرکدام از کسبه بازار جنت اختصاص یابد. با وجود این، تاکنون هیچ‌یک از این موارد به مرحله امضا و اجرا نرسیده و صرفا در حد وعده باقی مانده است». پس از این تجمع، شهردار تهران مطلع شد و درباره پیگیری‌های انجام‌شده توضیحاتی داد؛ توضیحاتی که به نظر می‌رسد چاره‌ساز این کسبه گرفتار نیست. زاکانی با اشاره به پیشینه این پرونده در دهه ۹۰ اعلام کرده است براساس قراردادهای پیمانکاری، مسئولیت مستقیم با پیمانکار است و شهرداری فقط بستر و تحویل فضا را برعهده داشته است. او گفته حدود ۴۲ غرفه پیش‌تر به زنان سرپرست خانوار در مراکز کوثر شهرداری اختصاص یافته و رایگان در اختیارشان قرار گرفته بود و سایر غرفه‌ها از طریق پیمانکار اجاره شده‌اند. به گفته او، شهرداری در حال پیگیری مشکلات مال‌باختگان است، شامل اختصاص وام، فراهم‌کردن فضایی جدید تا قبل از عید برای ادامه فعالیت و احداث جایگاهی پایدار که تا یک سال اجاره از این افراد دریافت نخواهد شد. به نظر می‌رسد تمرکز شهرداری عمدتا بر این غرفه‌های زنان سرپرست خانوار در مراکز کوثر بوده و زنانی که در آن بخش مستقر نبوده‌اند، در این پیگیری‌ها کمتر جایگاه دارند.

با دست خالی تنها ماندیم

روایت «معصومه» بی‌شباهت به زنان دیگر نیست؛ زنی که سال‌ها در همان راهروها و کنار همان ویترین‌ها، هم‌مسیر فاطمه بوده است، زنی که مثل بسیاری دیگر، تمام زندگی‌اش در همان چند متر غرفه خلاصه می‌شد. او می‌گوید تمام دارایی‌اش در همان غرفه جا مانده بود؛ همان ویترین کوچک، همان قفسه‌ها، همان سرمایه‌ای که سال‌ها برای جمع‌کردنش زحمت کشیده بود: «تمام زندگی‌ام همان‌جا بود؛ پول، کالا، زحمت چندین‌ساله. همه چیز در یک شب از بین رفت». معصومه از روزهایی می‌گوید که بعد از حادثه، نمایندگان شهرداری و مجموعه امور زنان جلساتی برگزار کردند. در این جلسات، وعده‌هایی داده شد؛ از پرداخت کمک‌های بلاعوض گرفته تا اختصاص تسهیلات کم‌بهره و فراهم‌کردن فضای موقت برای ادامه کار در شب عید: «به ما گفته شد کمک بلاعوض دریافت خواهیم کرد، وام کم‌بهره اختصاص می‌یابد و چهار قسط اول بازپرداخت آن از طرف مرکز زنان پرداخت می‌شود. همچنین وعده داده شد که برای ایام نوروز، فضایی موقت برای ادامه فعالیت ما فراهم شود و در نهایت، غرفه‌ها یا مکان‌های جایگزین در اختیارمان قرار خواهد گرفت». با این حال، فاصله میان وعده‌ها و واقعیت، روزبه‌روز بیشتر شده است. معصومه توضیح می‌دهد خودشان پنج نماینده انتخاب کرده بودند تا جلسات را دنبال کنند، اما حتی این پیگیری‌ها نتیجه‌ای نداشت: «ما پنج نماینده انتخاب کردیم و مرتب در جلسات شرکت کردیم. قرار بود زمینی به ما اختصاص داده شود، اما در نهایت گفتند دیگر این زمین را نمی‌دهند. همچنین پیشنهاد شد بازارچه‌ای با نام «بازارگل» در اختیار زنان قرار گیرد، اما این هم عملی نشد. حتی وقتی پیشنهاد شد مبلغی به عنوان کمک اولیه اختصاص یابد، گفتند فعلا موجود نیست. حرف‌های زیاد گفته شد، اما هیچ‌یک از مشکلات ما حل نشد». معصومه تاکید می‌کند این بی‌نتیجه‌ماندن وعده‌ها، فشار روانی و بلاتکلیفی زنان بازار را دوچندان کرده است. برای او، هم‌زمانی حادثه با شب عید، سخت‌ترین بخش ماجراست؛ زمانی که باید فصل اوج کار و فروش‌شان می‌بود، اما حالا با هیچ‌چیز مواجه‌اند. آن‌هم در شرایطی که بی‌ثباتی اجتماعی و تهدید مداوم جنگ بر سر همه سایه گسترده است: «نه مغازه‌ای داریم، نه سرمایه‌ای و نه معلوم است فردا چه می‌شود. همه چیز نامعلوم و بی‌ثبات است». صدای معصومه، صدای زنی است که میان وعده‌های رسمی و واقعیت زندگی روزمره گرفتار شده؛ زنی که هنوز منتظر است حمایت‌هایی که بارها شنیده، روزی به شکل واقعی به زندگی‌اش برسد.

سرمایه‌مان فقط کارمان بود

«ستاره» جوان‌تر است و سال‌های کمتری در بازارچه جنت فعالیت داشته. با این حال، تمام سرمایه و اعتبار خود را در همان چند متر غرفه قرار داده بود: «ما پولدار نبودیم. سرمایه ما همان کسب‌وکارمان بود و اعتبار ما در بازار شکل گرفته بود». او نیز مانند دیگران، اجناس امانی داشت و حالا با بدهی مواجه است و نحوه بازسازی و شروع دوباره فعالیت، برایش نامعلوم و مبهم است: «پس از آتش‌سوزی، همه می‌پرسند می‌خواهم چه کنم؟ اما خودم هم نمی‌دانم چگونه باید دوباره شروع کنم». ستاره تاکید می‌کند بیش از خسارت مالی، احساس ناامنی و نبود پشتوانه است که او را آزرده می‌کند: «احساس می‌کنم هیچ پشتوانه‌ای نداریم و هر لحظه ممکن است همه چیز دوباره از بین برود».

دود و بوی سوختگی از بازارچه جنت رفته است، اما سوزش در زندگی زنانی مانده که همه دارایی‌شان را همان‌جا گذاشتند؛ پشت ویترین‌های سوخته، زیر سقف‌های فروریخته، میان جعبه‌های خاکسترشده. زنانی که درست در آستانه شب عید، وقتی حساب و کتاب دخل‌وخرج‌شان را با فروش اسفند می‌بستند، یک‌شبه به صف «آسیب‌دیدگان» پیوستند؛ بی‌سرمایه، بی‌پشتوانه و اغلب بی‌پاسخ

یادداشت

راهبرد سیاسی ایران در به رسمیت شناختن طالبان

احسان الهی‌مقدم

شرایط جدید منطقه بعد از جنگ ۱۲روزه که در آن ترامپ هر روز از حمله به ایران صحبت می‌کند، باعث شده جمهوری اسلامی ایران هم در نوع ارتباط با همسایگان ازجمله افغانستان و حکومت طالبان که با حضور نظامی آمریکا در افغانستان مخالف است، تجدیدنظر کند و تهران رابطه خود با طالبان را به طرف به رسمیت شناختن حکومت طالبان ببرد. سخنگوی طالبان نیز گفته در صورت حمله آمریکا به جمهوری اسلامی ایران، از ایران حمایت خواهند کرد. افغانستان تحت حکومت طالبان، جایی است که حضور نظامی آمریکا و همچنین طرفداران رضا پهلوی و مخالف جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به‌سادگی اتفاق افتد. هم طالبان و هم جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم آمریکا هستند، ولی طالبان با حضور اقتصادی آمریکا در افغانستان مشکلی ندارند. اما طالبان شکست آمریکا و خارج‌شدن نیروهای نظامی آمریکا را از افغانستان، بزرگ‌ترین افتخار خود می‌دانند و حضور دوباره نظامی آمریکا در افغانستان، به منزله شکست شعار آنهاست. همچنین طالبان با توجه به اختلافات مرزی و موضوع طالبان پاکستان، به این زودی نمی‌توانند رابطه خود را با پاکستان بهبود ببخشد و این اختلافات با پاکستان خودبه‌خود طالبان را به طرف ایران برده است تا بتوانند راه ارتباط با آب‌های آزاد و تجارت کالا را از طریق ایران حفظ کنند. همان‌طور که به دنبال توسعه ارتباطات مرزی با ایران از طریق گمرگ میلک و دسترسی به بندر چابهار هستند. واقعیت این است که اگر ترامپ در حمله به ایران موفق شود، افغانستان یکی از مهم‌ترین کشورها در راستای کنترل چین برای آمریکاست. طالبان که با پاکستان مشکل دارد، باید با ایران کار کند و رابطه ژنرال عاصف منیر، فرمانده ستاد ارتش پاکستان، با ترامپ خیلی خوب است که نتیجه آن برای طالبان کنارآمدن با ترامپ و تحویل پایگاه بگرام به آمریکا یا جنگ با آمریکاست که در نتیجه بسته‌شدن راه تجاری آنها از طریق پاکستان و نهایتا ایران به نابودی طالبان ختم می‌شود و احتمالا روی کار آمدن دوباره جبهه شمال را در افغانستان به دنبال دارد. به همین دلیل، رسمیت‌یافتن این رابطه برای جمهوری اسلامی ایران و طالبان در افغانستان بسیار مهم است. از طرفی این به رسمیت شناختن طالبان، رابطه ایران با پاکستان را پیچیده‌تر می‌کند.

جدول ۵۲۷۱ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مزه- شکفته‌شده- خودمختار ۲- حمل‌کردنی است- فاصله دو نت همنام متوالی- مفصل و کامل ۳- برزن- زهتاب- زیان‌آور ۴- موتور الکتریکی ساده که می‌تواند پروانه کوچکی را بچرخاند- نمایشنامه فدریکو گارسیا لورکا - ترمز چارپا ۵- نوعی پارچه نخی ظریف- ساز پدالی ۶- تخم‌مرغ انگلیسی- شعر کوتاه ژاپنی- وهم و گمان ۷- فرش، گستردنی- فتنه و آشوب- پوشش ضربه‌گیر تکواندو ۸- گریزان- شفاهی- تنگه حیاتی خاورمیانه ۹- بهسازی- این زمان- فیلم درام ورزشی به کارگردانی و بازی بن افلک ۱۰- هر موجود زنده- غم و اندوه کسی را کاستن- تعجب زنانه ۱۱- شهر بندری گرم در عربستان- مرگ موش ۱۲- ضربه سر در فوتبال- جمع مکسر روح- پول مجارستان ۱۳- ننر- باور قلبی- بازرگانان ۱۴- سنگی زینتی- شاعر ایرانی و سراینده منظومه سلیمان و بلقیس- نیرو ۱۵- ازهم‌پاشیدن- عقاب سیاه- جزایر دوگانه خلیج فارس

عمودی:

۱- علم‌الابدان- گاری- دوره بت‌پرستی پیش از اسلام ۲- آبادکننده- نوشین- بند چرمی ۳- لطف و مهربانی- کار دشوار- مأمور تقسیم آب ۴- ترشی بادمجان- برادر کمبوجیه- غوزه پنبه ۵- مهم‌ترین مرکز مذهبی شیراز- از شرکت‌های خودروساز ایتالیایی ۶- حشره‌ای خونخوار- سلطنتی- روایت‌کننده ۷- خطی در دایره- موسیقی‌دان عصر ساسانی- کاندیدا ۸- مخفف فناوری اطلاعات و ارتباطات- زادگاه- اکنون ۹- معروف‌ترین تراژدی یونان- علم اشکال در ریاضی- نی باریک ۱۰- از بیماری‌های فصل سرما- جو دو سر- شگرد ۱۱- سری- سم موجود در سیگار ۱۲- چاشنی غذایی- حزن- از پسران فریدون ۱۳- کامل و تمام- متنافر- شایستگی ۱۴- واحد شمارش اسلحه- یار ژولیت- امپراتور دیوانه روم باستان ۱۵- نمایشنامه تراژیک ویلیام شکسپیر- کشاورزی- تلاش دفاعی بدن در مقابل بیماری

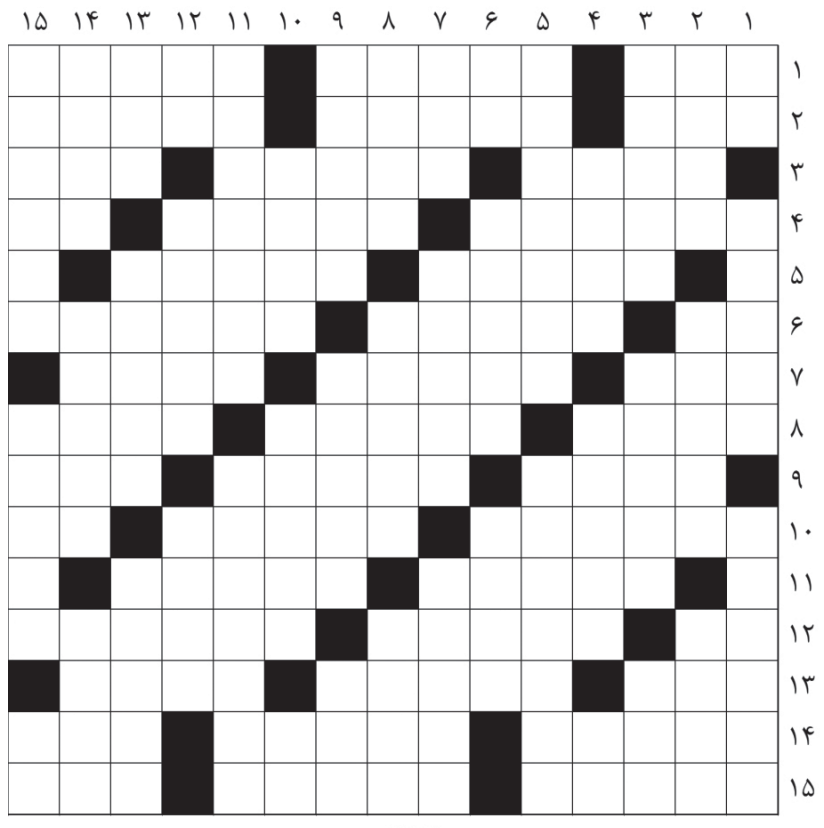

حل سودوکو ۴۲۶۶

۴	۹	۱	۵	۷	۲	۸	۶	۳
۵	۶	۸	۹	۴	۳	۷	۱	۲
۲	۷	۳	۶	۸	۱	۴	۹	۵
۱	۸	۴	۲	۹	۶	۳	۵	۷
۷	۳	۹	۱	۵	۸	۲	۴	۶
۶	۲	۵	۴	۳	۷	۹	۸	۱
۸	۵	۲	۷	۶	۹	۱	۳	۴
۳	۱	۶	۸	۲	۴	۵	۷	۹
۹	۴	۷	۳	۱	۵	۶	۲	۸

۶	۹	۱	۴	۳	۵	۲	۷	۸
۵	۸	۲	۷	۶	۱	۴	۳	۹
۷	۳	۴	۹	۲	۸	۵	۶	۱
۲	۵	۸	۱	۷	۶	۹	۴	۳
۳	۱	۹	۲	۸	۴	۶	۵	۷
۴	۷	۶	۵	۹	۳	۱	۸	۲
۹	۶	۵	۳	۱	۷	۸	۲	۴
۱	۴	۷	۸	۵	۲	۳	۹	۶
۸	۲	۳	۶	۴	۹	۷	۱	۵

حل جدول ۵۲۷۰

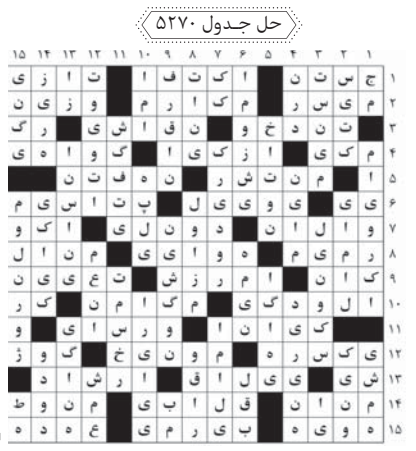

سودوکو سخت ۴۲۶۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸	۴							
	۲	۷	۹					
۳		۶				۱		
۲				۹	۴			۵
			۶	۳	۱			
۶			۲	۵				۷
		۵				۹		۴
					۲	۳	۶	
							۵	۸

سودوکو ساده ۴۲۶۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴				۸	۹
۸	۳			۹			۱	۷
				۱	۸	۳	۲	
۶	۸		۳	۲			۷	
۳								۱
	۵			۶	۹		۳	۲
	۴	۳	۲	۸				
۵	۹			۴			۶	۳
۲	۱				۳			